

عنوان مقاله:

ساختار گرائی تکوینی در رئالیسم ایرانی؛ «رابطه» متقابل عاملیت و ساختار در شعر و ادب معاصر فارسی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات ایرانی، دوره 21، شماره 41 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

نویسنده:

مجتبی عطارزاده - دانشگاه هنر اصفهان

خلاصه مقاله:

هر چند ادبیات فارسی از قدمت و سابقه طولانی در ایران زمین برخوردار است ولی کمتر حضور آن در متن جامعه، احساس شده است. پرداختن به مقولات انتزاعی از یک سو و نپرداختن به دغدغه های مردم از سوی دیگر در این موضوع بی تاثیر نبوده است. پژوهش پیش رو بر آن است تا با استفاده از دیدگاه پی بروردیو، چگونگی حضور شعر و ادبیات در جامعه از رهگذر برقراری «ارتباط» بین عاملیت (شعرا و ادبا) و متن جامعه (ساختار) در جامعه معاصر ایران که از دوره مشروطه آغازیدن گرفت و در مقطع پس از آن نیز ادامه پیدا کرد را مورد بررسی قرار دهد. فرضیه این نوشتار آن است که رواج رویکرد رئالیستی در ادبیات فارسی، بستر مناسبی برای اصحاب ادب فراهم ساخت تا از رهگذر تمرکز بر دلمشغولی های مردمی و به حساب آوردن آن ها در جریان رخدادهای سیاسی، با مردم و جامعه «رابطه» برقرار نمایند. هدف پژوهش حاضر نشان دادن چگونگی رابطه متقابل و دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار بر اساس نظریه پی بروردیو در تحول شعر و ادب فارسی می باشد که از رهگذر تاثیر پذیری از ساخت سیاسی-اجتماعی معاصر ایران به گونه ای که شعر برای رسیدن به رسالت خویش-یعنی خروج از درون دربار و رهسپاری به درون خانه های مردم- به مفاهیم مدرنی چون آزادی، وطن، ملت و... ذیل کلیتی رئالیستی روی آورد، انجام پذیرفت. برآیند و نتیجه حاصل از این تحقیق نشانگر آن است که با اتخاذ رویکرد رئالیستی منجر به برقراری "رابطه" بین ادیبان و شاعران (عاملیت) و متن جامعه و مخاطبان سروده های آنان (ساختار)، شعر ایرانی از حالت انتزاعی به در آمد و به جای پوشیده گوئی و گزارش مسائل کلی، واقعیت های جامعه و نیازها و مطالبات مردمی را به نمایش درآورد و در برابر، مردم نیز سخن ادیبان را صدای رسای خود شناختند.

کلمات کلیدی:

پی بروردیو، رابطه دیالکتیکی، رئالیسم ادبی، شعر سیاسی، ایران معاصر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1494984>

